



Analysis of Women's Empathetic Agreement-Making Skill by their Husbands: a Sample of Grounded Theory

Tayebeh. Ghasemi Dehnavi¹, Zahra. Yousefi^{*2} & Hadi. Farhadi³

1. Doctoral student of Counseling, Islamic Azad University, Isfahan branch (Khorasgan), Isfahan, Iran
2. ***Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

ARTICLE INFORMATION	ABSTRACT
Article type Original research Pages: 178-188 Corresponding Author's Info Email: z.yousefi@khuisf.ac.ir	Background and Aim: Today, maintaining a family not only requires knowledge but also requires its own skills. One of the skills can be empathetic agreement that it can be reached by men. The goal of present study was to analysis of empathetic agreement-making skills among married women by their husbands. Methods: This study was conducted using the social structuralism perspective method developed by Charms (2014). The study population included all married men who had succeeded in having happy and stable families and the sample consisted of 10 of these men who were purposefully selected from a homogeneous type based on entry and exit criteria. The research tool was a semi-structured interview. The duration of each interview was between 60 and 120 minutes. The data collected by Charms (2014) method were analyzed in three stages of initial coding, axial coding and final classification. Results: The findings revealed three dimensions to the grounded theory: (1) what empathetic agreement-making is, (2) why empathetic agreement-making, and (3) how empathetic agreement-making. Conclusion: This grounded theory can be effective in facilitating family education for the success of men in married life, studies related to empathetic agreement-making and facilitating empathetic agreement-making in the field of family counseling and treatment, and divorce prevention.
Article history: Received: 2022/10/27 Revised: 2022/12/05 Accepted: 2022/12/15 Published online: 2023/06/10	
Keywords: <i>agreement-making skill, empathetic, husband.</i>	



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article:

Ghasemi Dehnavi, T., Yousefi, Z., & Farhadi, H. (2023). Analysis of Women's Empathetic Agreement-Making Skill by their Husbands: a Sample of Grounded Theory. *Jayps*, 4(3): 178-188.



واکاوی مهارت توافق‌جویی همدلانه زنان توسط همسران‌شان: یک نمونه نظریه زمینه‌ای

طیبه قاسمی دهنوی^۱، زهرا یوسفی^{۲*} و هادی فرهادی^۳

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۷۸-۱۸۸ اطلاعات نویسنده مسئول ایمیل: z.yousefi@khuisf.ac.ir سابقه مقاله	زمینه و هدف: امروز حفظ و بقای خانواده نه تنها به دانش نیاز دارد بلکه مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد یکی از این مهارت‌ها می‌تواند مهارت توافق‌جویی همدلانه توسط مردانه باشد. مطالعه‌ی حاضر واکاوی مهارت توافق‌جویی همدلانه در بین زنان متأهل توسط همسران‌شان بود. روش پژوهش: این مطالعه به روش دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی که توسط چارمز (۲۰۱۴) ابداع شده انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه مردان متأهلی بودند که موفق شده بودند تا خانواده‌ای شاد و پایدار داشته باشند و نمونه شامل ۱۰ نفر از این مردان بود که به شکل هدفمند از نوع متجانس و بر اساس ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۶۰ الی ۱۲۰ دقیقه بود. داده‌های گردآوری شده به روش چارمز (۲۰۱۴) در سه مرحله کدبندی اولیه، کدبندی محوری و طبقه بندی نهایی تحلیل شدند. یافته‌ها: یافته‌ها سه بعد برای نظریه زمینه‌ای را آشکار کرد که عبارت بودند از (۱) چابستی توافق‌جویی همدلانه، (۲) چرایی توافق‌جویی همدلانه و (۳) چگونگی توافق‌جویی همدلانه. نتیجه‌گیری: این نظریه زمینه‌ای، می‌تواند در تسهیل آموزش-های خانواده جهت موفقیت مردان در زندگی متأهلی، مطالعات مربوط به توافق‌جویی همدلانه و تسهیل توافق‌جویی در حوزه مشاوره و درمان خانواده و پیشگیری از طلاق موثر باشد.
واژگان کلیدی شوهران، توافق‌جویی همدلانه، نظریه زمینه‌ای.	

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.
تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

قاسمی دهنوی، طیبه؛ یوسفی، زهرا؛ و فرهادی، هادی. (۱۴۰۲). واکاوی مهارت توافق‌جویی همدلانه زنان توسط همسران‌شان: یک نمونه نظریه زمینه‌ای. *مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۴(۳): ۱۸۸-۱۷۸.

مقدمه

اهمیت بی‌بدیل نهاد خانواده و نقش آن در حفظ و بقای آرامش انسانی و رشد و تربیت انسان‌ها و اثر چشم‌گیر آن در رشد جامعه بر کسی پوشیده نیست اما تاخیر در ازدواج از یک سو و افزایش آمار طلاق پس از ازدواج و در عین حال نگرانی خانواده‌های جوان از فرزندآوری همگی حاکی از آن است که لازم است تا روز به روز روش‌های ارتقا و آرامش خانواده مورد توجه قرار گیرد و از آن غفلت نشود در این میان موضوع قدرت و حفظ آن و از سوی دیگر کشمکش بر سر آن همچنان موضعی زنده است و پویای‌های گوناگونی را در فضای خانواده ایجاد می‌نماید در این میان نیاز به اقتدار در مردان و شیوه‌های اعمال آن توسط مردان موضوعی است که در مطالعات گوناگون نشان داده شده است از جمله مشخص شده است که شیوه‌های منفی اعمال قدرت در خانواده می‌تواند میل به طلاق را در بین زنان متاهل افزایش دهد (دهقانی و یوسفی، ۱۳۹۸)؛ همچنین طی مطالعه‌ای کیفی مشخص شد که در شرایط فزون‌یافتگی تجارب فشارزای درون‌برون خانوادگی، مردانی با فقر در منابع مقابله‌ای، برای مراقبت از جایگاه مردانه خود و حفظ آن، در بافت تعاملات درون خانوادگی، از تدابیر آمرانه، قهرآمیز و خشن استفاده می‌کنند (شکری، خدایی و معزالدینی، ۱۴۰۰).

به هر حال به علت روندهای اصلی تغییر در ساختار خانواده به علت صنعتی شدن اشتغال زنان و کاهش فرزندآوری مرزهای قدرت در خانواده را جابه‌جا کرده است و باعث شده تا شیوه‌های قدیمی مدیریت خانواده مانند سبک‌های دیکتاتورانه، قدرت طلبی یک‌جانبه و یا روش‌های آزاردهنده مدیریت خانواده اثربخشی خودشان را از دست دهند و مردانی که همچنان از روش‌های خشن اداره خانواده بهره می‌گیرند نمی‌توانند همسران خویش را با خود همراه کرده و بیش از آن‌که به پایداری خانواده منجر شوند باعث شکل‌گیری لجبازی در همسران خود شده و خانواده را به سمت فروپاشی می‌کشانند. در عین حال در جامعه امروزی مردانی هستند که بیش از پیش

واقف به نقش مهم زن در آرامش خانواده شده و بیش از آن‌که به روش‌های مبتنی بر قلدری برای کنترل خانواده اهمیت بدهند به روش‌های صلح‌جویانه و مبتنی بر آرامش، رفاقت و درک کردن بها داده و به این طریق همسران‌شان را با خودشان همراه می‌کنند به نحوی که نیازهای هیجانی همسران‌شان همچون نیاز به امنیت، تایید و اعتماد ارضا شود و صمیمیت در خانواده حفظ شود (احمدی‌مهر، یوسفی و گل‌پرور، ۱۳۹۹).

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی به مطالعات خانوادگی پرداخته‌اند که نقش عناصر مرتبط با ساختارهای قدرت در خانواده در آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است برای مثال محمودزاده، یوسفی و گل‌پرور (۱۳۹۸) به مطالعه عوامل موثر بر پایداری خانواده پرداخته‌اند و نقش همدلی را در پایداری خانواده موثر معرفی کرده‌اند (محمودزاده، یوسفی و گل‌پرور، ۱۳۹۸)؛ همچنین هاشمیان و همکاران (۱۳۹۷) به مطالعه تجارب زیسته مردان در زمینه خشونت علیه همسر به عنوانی روشی برای دستیابی به قدرت پرداختند و متوجه شدند که عدم ارضای نیازهای عاطفی زوجین، برآورده نکردن نیازهای جنسی همسر و برقراری تعاملات غیردوستانه را در ایجاد خشونت خانگی مطرح کردند (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷)؛ مالمیر و ابراهیمی (۱۳۹۹) طی مطالعه‌ای نشان دادند طی سال‌های اخیر تمایل و جهت‌گیری خانواده به سمت شیوه‌های جدید و مدنی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و حل مساله بین اعضاء حرکت کرده است (مالمیر و ابراهیمی، ۱۳۹۹)؛ زارعی توپخانه، جان بزرگی و احمدی (۱۳۹۴) نیز نشان داد که اقتدار بیشتر مرد در خانواده، همسانی ساختار خانواده را موجب می‌شود و تعارضات زناشویی را کاهش داده و عملکرد خانواده را تقویت می‌کند (زارعی توپخانه، جان بزرگی و احمدی، ۱۳۹۴)؛ موحد، عنایت و مردانی (۱۳۹۱) زنانی که تحصیلات دانشگاهی دارند نسبت به سایر زنان بیشتر مورد تایید همسران خود هستند؛ قوسل (۲۰۱۹) طی مطالعه‌ای نشان داد که

بود تا به این سوال پاسخ دهد: نظریه زمینه‌ای توافق‌جویی همدلانه از چه مولفه‌هایی تشکیل شده است؟

روش پژوهش

هدف مطالعه‌ی حاضر واکاوی مهارت توافق‌جویی همدلانه زنان توسط همسران‌شان بود. این مطالعه روی تجارب مردان متأهل موفق در زمینه جلب توافق همدلانه با توجه به دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی تمرکز داشت. ماهیت اکتشافی پژوهش بر ادراک مشارکت‌کنندگان (مردان متأهل) و بر تجاربی تاکید داشت که منجر به همراهی همسران آنان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های روزمره شده است. بنابراین فرض شد که دنیای متأهلی این مردان تحت تاثیر مجموعه‌ای از واقعیت‌های چندگانه قرار دارد که تحت تاثیر اوضاع خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سایر باورهاست که می‌تواند به واسطه این مهارت در مردان تعارضات آنان را به حداقل کاهش دهد. این مطالعه امید داشت تا با بررسی دقیق این تجارب به سازوکارهای زیربنای این مهارت دست یابد.

به منظور رسیدن به هدف مذکور از روش نظریه زمینه‌ای ساختارگرایانه که توسط چارمز (۲۰۱۴) ابداع شده، استفاده شد هسته‌ی اصلی این مدل پذیرش ذهنیت و تصدیق مشارکت فعال پژوهشگر در ساخت و تفسیر داده‌ها در یک روند جدی با شرکت‌کنندگان و با داده‌ها است. به عبارت دیگر پژوهشگر یک مشاهده‌گر عینی و مستقل نیست بلکه قسمتی از واقعیت ساخته شده در فرایند پژوهش است. لازم به ذکر است مردان متأهل شرکت‌کننده در این پژوهش شرکت‌کنندگان کلیدی در این پژوهش بودند که اجازه دادند تا از طریق مصاحبه تجارب آنان در جلب همراهی همسران‌شان استخراج شود. پژوهشگر دست به انتخاب هدفمند از نوع متجانس زد به این ترتیب محقق با استناد به ملاک‌های ورود به جستجوی مردانی برآمد که به مرد دلسوز، مهربان و با تدبیر در اداره خانواده شهرت داشتند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: گذشتن حداقل پنج سال از آغاز زندگی،

حمایت و هودلی مردان برای رشد فردی و اجتماعی زنان ضروری است (قوسل، ۲۰۱۹)؛ مارتینز، کایومبر، سا و اولیورا (۲۰۱۹) طی مطالعه‌ای نشان دادند که در روابط صمیمی ممکن است برای اعمال قدرت مردان از خشونت استفاده کنند (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۹)؛ به هر حال مرور مطالعات نشان داد گرچه موضوع قدرت و اعمال قدرت در برخی مردان مورد توجه قرار گرفته‌اند اما پژوهش چاپ شده داخلی به این موضوع نپرداخته‌اند که مردان متأهل چگونه به کمک شیوه‌های آرام و مسالمت-آمیز همسران خود را که می‌توان از آن به توافق‌جویی همدلانه یاد کرد همسران خود را در تصمیم‌گیری‌های مشترک یا فردی همراه کنند. به هر حال گرچه شیوه‌های گوناگونی برای اعمال قدرت در خانواده وجود دارند که طی پژوهش‌های گذشته به دو دسته شیوه‌های مدیریت منفی و مثبت یا سازگار و ناسازگار تقسیم شده‌اند که طی آن زوجین می‌کوشند تا همسران‌شان را همراه خود کرده یا رفتارهای آنان را کنترل کنند (احمدی‌مهر، یوسفی و گل‌پرور، ۱۳۹۹). بی‌تردید توافق‌جویی همدلانه، در مردان که از آنان انتظار می‌رود بتوانند به آسانی امور کلان خانواده را مدیریت نمایند روش سازگار و مثبتی است که نه تنها می‌تواند به پایداری خانواده کمک نماید بلکه می‌تواند در شکل‌گیری شادمانی در خانواده نیز موثر باشد با توجه به اهمیت این ویژگی در حفظ خانواده شاد و پایدار و صمیمی در خانواده از یک سو و نبود نظریه‌ای در خصوص این سازه مهم این پژوهش بر آن بود تا از طریق مطالعه کیفی به روش چارمز (۲۰۱۴) به مطالعه واکاوی این سازه خانوادگی بپردازد نتایج این پژوهش می‌تواند در غنی‌سازی متون خانواده درمانی، آموزش‌های غنی‌سازی و توانمندسازی خانواده و همچنین در تدوین بسته‌های آموزشی پیشگیری از طلاق موثر باشد همچنین نتایج این پژوهش تجارب غنی مردان موفق در همسراری صمیمانه را مستند کرده و آن‌ها را به کاربردی شدن توسط درمان‌گران نزدیک می‌کند از این رو پژوهش حاضر بر آن

کننده مشخص شد. پژوهشگر بعد از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، به آنها اطمینان داد که اطلاعات داده شده از جانب آنها و هویت‌شان کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و امانت‌داری در متن مصاحبه رعایت می‌گردد. همچنین به آنها اطمینان داده شد که گفتگوی ضبط شده پس از اتمام کار تحلیل پاک خواهد شد.

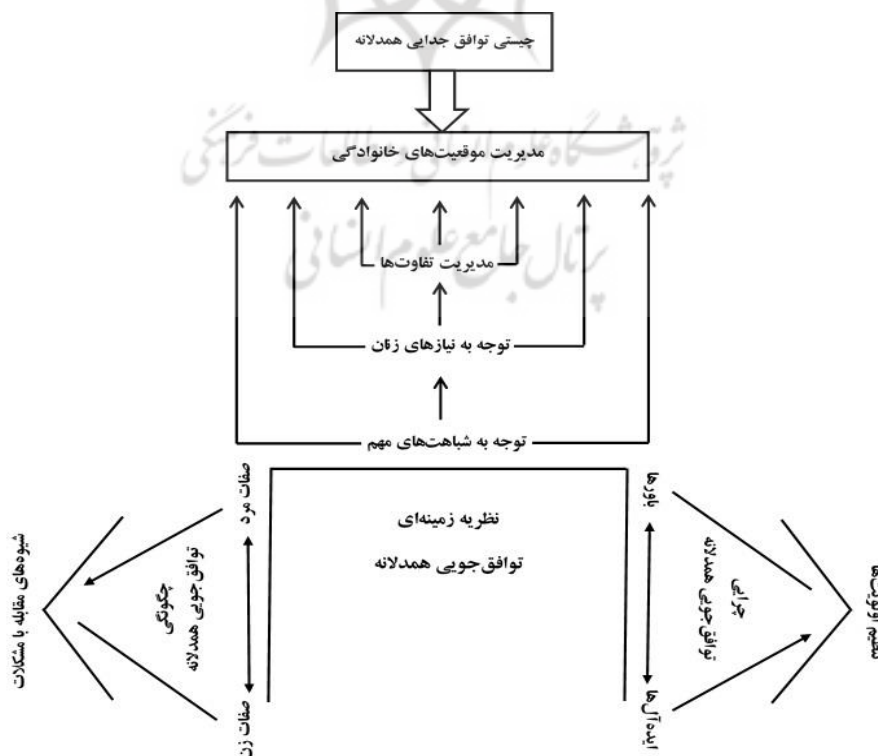
یافته‌ها

از لحاظ یافته‌های جمعیت‌شناختی، ۶ شرکت‌کننده (۶۰ درصد) خانه‌دار و ۴ شرکت‌کننده (۴۰ درصد) کارمند بودند. همچنین ۴ نفر (۴۰ درصد) از شرکت‌کنندگان دارای یک فرزند، ۵ نفر (۵۰ درصد) دارای ۲ فرزند و یک نفر (۱۰ درصد) دارای ۳ فرزند بودند. یافته‌ها در کل به این سوال پاسخ داد: نظریه‌زمینه‌ای توافق‌جویی همدلانه از چه مولفه‌هایی تشکیل شده است؟ نتایج تحلیل نظریه‌زمینه‌ای به روش چارمز (۲۰۱۴) نشان داد این نظریه سه بعد توافق‌جویی همدلانه توضیح می‌دهد که در شکل ۱ آمده است.

داشتن فرزند، تایید همسرشان به عنوان مرد مهربان، دلسوز و با تدبیر در زندگی متاهلی، تمایل به انجام مصاحبه، پاسخگویی مشروح به سوالات و ملاک‌های خروج عبارت بودند از: نداشتن فرزند، داشتن سابقه طلاق یا متارکه.

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه‌ساختاریافته:** برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و سؤال‌های باز پاسخ همراه با سؤال‌های پیگیرانه برای تشویق مشارکت‌کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب عمیق استفاده شد. برای تدوین سوالات مصاحبه، ادبیات پژوهش مرور گردید و با مشورت اساتید سوالات در قالبی منسجم طراحی گردید. مصاحبه با سوالات کلی و باز با مضمون روایت زندگی متاهلی شروع شد، در طول پژوهش از سوالات کاوشگرانه مانند: می‌توانید در باره این موضوع بیشتر توضیح دهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟ جهت دست‌یابی به اطلاعات مفیدتر استفاده شد. مدت مصاحبه در این پژوهش بین ۶۰-۹۰ دقیقه به طول انجامید و زمان و محل مصاحبه از قبل توسط پژوهشگر با توافق مشارکت



شکل ۱. ابعاد و طبقات نظریه‌زمینه‌ای مهارت توافق‌جویی همدلانه

همسر به هنگام عصبانیت، فراموش کردن اتفاقات دردناک، متعهد بودن به قول و قرار اولیه و استفاده از محبت کردن برای کنترل) و توجه به نیازهای زن (با کدهای محوری نیاز به توجه و نیاز به امنیت)، (۲) چرایی توافق جویی همدلانه با طبقات باورها (با کدهای محوری باور به رابطه عاشقانه مقدم بر رابطه جنسی، رابطه جنسی در قالب عاشقانه، باور به اهمیت رابطه جنسی، باور به نقش لطف خدا، باور به اهمیت دوست داشتن در زندگی، باور به رعایت حقوق زن؛ اولویت‌ها (با کدهای محوری اهمیت دهی به هدیه دادن، اهمیت دادن به مناسبت‌ها و اهمیت دهی به همسر نسبت به دیگران) و ایده‌آل‌های مرد (با کدهای محوری خودخواه نبودن، سخت‌گیر نبودن، دوست داشته شدن توسط زن، دوست داشتنی بودن در خانواده) و (۳) چگونگی توافق جویی همدلانه با طبقات ویژگی‌های زن (با کدهای محوری شنونده خوب بودن، دوست داشتن همسر، همراهی مالی با مرد، سریع برگشتن زن به حالت اولیه، عدم بهانه‌جویی، زود خوشحال شدن، عدم نشخوارفکری روی موضوعات، کم توقعی، انجام وظایف زندگی به نحو احسن، ابراز گری هیجانی، ابراز نیاز نه نیازمندی، عدم ریزبینی، مرکزکشی بین شغل و خانواده، لمسی بودن، دلبستگی ایمن و صادق بودن؛ صفات مرد (با کدهای محوری ساده بودن، صادق بودن، احترام قائل شدن برای زن، فعال بودن، قاطع بودن، تلاش‌گری، متقاعد کننده بودن، شنونده خوب بودن، وظیفه‌شناسی، دلبستگی ایمن، داشتن توانایی بیش از نیازهای زن)؛ شیوه‌های مقابله با مشکلات زندگی (با کدهای محوری حل مسئله، مشورت کردن و گفت و شنود)؛ و ارتباطات (با کدهای محوری ارتباط مناسب با خانواده همسر، حل اختلافات با خانواده همسر به کمک گفتگو و اغماض، کمک به خانواده همسر، حفظ حریم با سایر زنان و اهمیت دادن به ارتباطات در قالب تفریحی و سرگرمی).

بحث و نتیجه‌گیری

ابتدا خط به خط مصاحبه‌ها مطالعه شد به طور خط به خط کد گذاری شد. در این مرحله تلاش شد تا کدهایی تولید شود که کوتاه، نزدیک به داده‌ها و انتزاعی‌تر از خود داده‌ها باشند. دومین مرحله کدگذاری محوری بود در این مرحله کدهای اولیه در هر مصاحبه دسته‌بندی شدند و سپس آن‌هایی که ارزش تحلیلی بالا دست داشتند شناسایی شدند در این مرحله کدهایی که بیشتر تکرار شده بودند و با سوالات پژوهش مرتبط‌تر بودند مورد توجه قرار گرفتند. هدف از این مرحله دستیابی به جهت‌گیری‌هایی برای خلق و توسعه طبقات نظری از طریق ترکیب و تحلیل واحدهای بزرگ‌تر داده در قالب مفهومی‌تر بود. عامل استقرا که در ذات روش نظریه زمینه‌ای ساخت‌گرایی است در این مرحله پدیدار شد و در این حال با تحلیل مقایسه‌ای مداوم بین یک مصاحبه یا مصاحبه‌های گوناگون فرصت قیاس و تصدیق داده‌های تولید شده فراهم شد. ضمن ترکیب لایه‌های چندگانه‌ی معنا و عمل، کدهای محوری که به نظر ارزش بالا دستی در مفهوم سازی داشتند عنوان طبقات را دریافت کردند. با شکل‌گیری طبقات، تحلیل‌ها به سمت مفهومی حرکت می‌کردند طبق نظر چارمز (۲۰۱۴) در این مرحله محقق با مضامین و الگوهای رایج به هم مرتبط کار می‌کند. در پایان این مرحله طبقات استخراج شده بود. پس از تحلیل داده‌ها و کامل شدن طبقات مفهومی، محقق دومین مرور متون را انجام داد که او را قادر کرد تا بر اساس نتایج و نظریه‌های موجود نظریه‌اش را توسعه دهد.

سه بعد این نظریه زمینه‌ای عبارتند از (۱) چیستی توافق جویی همدلانه با طبقات توجه به شباهت‌ها (شباهت در ارزش‌ها و شباهت در معیارهای ازدواج)، مدیریت تفاوت‌ها (با کدهای محوری مدارا، گذشت، حل مسئله و تنظیم امور دلخواه به شکل مرضی‌الطرفین) مدیریت موقعیت‌های خانوادگی (با کدهای محوری توجه به آینده، الگو بودن برای فرزند، انجام به هنگام وظایف مردانه، گفت‌وگو بعد از آرام شدن بحران، پرس و جو از

نیازها با رضایت زناشویی رابطه معنادار دارد و باسکین، رودی، شولمیستر و الینگسون (۲۰۱۱) و توکلی، نیکبخت نصرآبادی، بهبودی مقدم، صالحی‌نیا و رضایی (۲۰۱۷) که نشان دادند مدیریت تفاوت‌ها به کمک بخشش و مدارا می‌تواند موجب افزایش رضایت زناشویی گردد و چوی و کیم (۲۰۰۹) که نشان دادند تعیین مناسک و روش‌های مرضی‌الطرفین برای حل اختلافات می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش دهد همسو است.

همچنین این نظریه چرایی مهارت توافق‌پذیری همدلانه را در این مردان مشخص کرد و نشان داد باورهای این مردان، اولویت‌های آنان و ایده‌آل‌های آنان به گونه‌ای است که آرامش زن و خانواده برای آنان جزء باورها، اولویت‌ها و ایده‌آل‌های آنان است بنابراین دنیای حاکم بر ذهنیت آنان به گونه‌ای است که رابطه عاشقانه مهم‌تر است از ارضای نیازهای جنسی، باور به لطف خدا، باور به اهمیت دوست داشتن در زندگی و باور به رعایت حقوق زن که همگی کمک می‌کنند تا دشواری‌های زندگی متاهلی برای آنان سهل باشد همچنین اولویت‌های آنان به گونه‌ای بود که احتمالاً زنان آنان را مغایر با خانواده و خودشان نمی‌دیدند برای مثال آنان به هدیه دادن، به مناسبت‌ها و اهمیت دهی به همسر نسبت به دیگران اولویت می‌دادند و از سوی دیگر ایده‌آل‌های آنان خودخواهی و سخت‌گیری نبود در عوض آنان خواهان دوست داشته شدن توسط زن و محبوبیت در خانواده بودند. در همین راستا یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید «...پدرم مرد خشنی بود وقتی به خونه میومدم همه می‌ترسیدم در عوض من تلاش می‌کنم تا میام خونه همه خوشحال بشن، اینکه من تو خونه هستم به اونا آرامش بده، اگر زنم خوشحال بشه خوشحالم خیلی به رعایت حقوق زن اهمیت میدم من ماه به ماه اول برج پول تو جیبی خانمم را میدم که راحت باشه اول برام عشقم مهمه بعد ارتباط جنسی برای همین هیچوقت به زور وارد رابطه جنسی نمیشم...» این نتایج با نتایج کارنز (۲۰۱۷) که نشان دادند اولویت‌های غیر خانوادگی می‌توانند با

پژوهش حاضر با هدف واکاوی مهارت توافق‌جویی همدلانه در بین مردان متاهل که به کمک این مهارت می‌توانند زنان خویش را همراه خود کرده و به جای اینکه حالت‌های لجبازی و مقاومت را در آنان ایجاد کنند نرمش و همراهی را در بین آنان افزایش دهند. نتایج تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه به کمک تحلیل نظریه زمینه‌ای چارمز (۲۰۱۴) با مردان متاهلی که دارای خانواده‌های شاد و پایدار بودند نشان داد که این نظریه سه بعد دارد.

بعد اول چیستی توافق‌جویی همدلانه را آشکار کرد که نشان داد این دسته از مردان به کمک انتخاب همسری که در معیارهای اولیه و برخی ویژگی‌های مهم شخصیتی و اجتماعی شباهت داشتند می‌توانند نیازهای زنان را در زمینه توجه و امنیت برآورده کرده و تفاوت‌های موجود را که می‌توانند در سایر خانواده‌ها محرک تعارضات و اختلافات زناشویی باشند به کمک مدارا، بخشش، حل مسئله و روش‌های مرضی‌الطرفین مدیریت نمایند و در نهایت در طی زندگی روزمره قادرند تا موقعیت‌های گوناگون را حل و فصل کرده و خانواده را به پیش ببرند. در همین راستا یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید «...همراهی همسر من با من ناشی از انتخاب صحیح من کسی را انتخاب کردم که با هم شبیه بودیم یعنی در موضوعات مهم زندگی شبیه بودیم و خوب این موجب میشد که منبع اختلافات کم باشه... به هر حال باز هم با هم تفاوت‌هایی داشتیم مثلاً من از پیک نیک‌های طولانی بدم میاد ولی خانمم دوست داره برای همین من گاهی پیک نیک طولانی و گاهی بلند و طولانی را تدارک می‌بینم این یه روشی که رضایت جفت ما را تامین میکنه... ولی واقعیتش اینه که تهش یه مرد باید بتونه زندگی روزمره را به جلو ببره و کاری روی زمین نمونه تا جای گله و گله‌گذاری و دعوا نمونه...» این بخش از نتایج با یافته‌های گانت (۲۰۰۶) که اهمیت شباهت‌ها را در رضایت زناشویی نشان داد؛ با یافته‌های نائمی (۲۰۱۸) و روان، کامپتون و راست (۱۹۹۵) که نشان دادند ارضای

همسر به کمک گفتگو و اغماض حل کنند همچنین روحیه کمک‌رسانی به خانواده همسرشان را داشتند و به خوبی می‌توانستند همچون پلی بین خانواده خود و همسرشان باشند، از سوی دیگر در حفظ حریم با سایر زنان مرزها را به خوبی رعایت می‌کردند و امنیت همسرشان را مخدوش نمی‌کردند و به ارتباطات در قالب تفریحی و سرگرمی اهمیت می‌دادند. در همین راستا یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید «...همسر من واقعا اخلاق خوبی دارد کم توقع است و زود خوشحال می‌شود واقعا گوش شنوایی برای مشکلات من است... منم همینطورم گوش بهش میدم، ازش قدردانی می‌کنم، دروغ نمی‌گم و به حساسیتش احترام می‌ذارم و بهش کامل اعتماد دارم... به هر حال هرکسی ممکنه گاهی با خانواده همسرش مشکل پیدا میکنه منم همینطور اما من از اون دسته آدمایی هستم که میگم کچلیش کم آوازش...». این یافته‌ها با یافته‌های سایه‌میری، کریم، عبدی، دالوند و قشلاق (۲۰۲۰) و بورداک و کالتا (۲۰۲۱)، بورداک، استادن و جسیک (۲۰۱۸) که نشان دادند ویژگی‌های شخصیت با رضایت زناشویی رابطه معنادار دارد همسو است. همچنین با یافته‌هایی نادری و خلعت‌بری (۲۰۱۸) و زو (۲۰۱۷) که اهمیت شیوه‌های مقابله در رضایت زناشویی و حل تعارضات را نشان می‌دهد همسو است. همچنین با یافته‌های علی‌پور، کاظمی، خیرآبادی و اسلامی (۲۰۲۰) و هریس و کامور (۲۰۱۸) که نشان دادند مهارت‌های ارتباطی می‌تواند تعارضات زناشویی را کاهش دهد همسو است.

با توجه به این نتایج می‌توان گفت که مهارت توافق‌پذیری همدلانه در مردان مهارتی مهمی است که نقش پررنگی در حفظ و بقای خانواده سالم، شاد و پایدار دارد توجه به چگونگی وقوع این مهارت نشان می‌دهد انتخاب زنان با ویژگی‌هایی که بافت توافق‌جویی همدلانه را فراهم می‌کند شاید اولین قدم در شکل‌گیری این مهارت باشد در واقع به نظر می‌رسد مردان باید زنانی را انتخاب نمایند که

نارضایتی زناشویی همرا باشند، با یافته‌های آزادی فرد و امانی (۲۰۲۰) که نشان دادند باورهای منطقی به حل تعارضات زناشویی کمک می‌کنند، با یافته‌های جان‌جانی، مومنی، راج و سعیدی (۲۰۱۷) که نشان دادند بین باورهای غیر منطقی و عدم رضایت زناشویی رابطه وجود دارد همسو است.

یکی دیگر از ابعاد نظریه حاصل بعد چگونگی توافق‌جویی همدلانه بود که نشان داد توافق‌جویی همدلانه چگونه رخ می‌دهد این نظریه آشکار کرد توافق‌جویی همدلانه یک جاده دو طرفه است و زنان نیز ویژگی‌هایی دارند که با همسران‌شان توافق می‌کنند و تلاش همسرانشان را ناکام نمی‌گذارند از جمله شنونده خوب بودن، دوست داشتن همسر، و ویژگی‌هایی که می‌شود آن‌ها را در قالب ثبات هیجانی دسته‌بندی کرد، مرزکشی بین شغل و خانواده، لمسی بودن، دلبستگی ایمن و صادق بودن را بر شمرد که باعث می‌شد تا این زنان همدل، همراه و قابل پیش‌بینی باشند برخی از صفات این زنان همچون لمسی بودن نیز باعث می‌شد تا طالب هم‌آغوشی با مردان باشند که هم به آنان و هم به شوهران‌شان می‌توانست آرامش بدهد؛ همچنین صفات مردان مانند ساده بودن، صادق بودن، احترام قائل شدن برای زن، فعال بودن، قاطع بودن، تلاش‌گری، متقاعد کننده بودن، شنونده خوب بودن، وظیفه‌شناسی، دلبستگی ایمن، داشتن توانایی بیش از نیازهای زن که می‌توان آن‌ها را در ساختار وجدان‌گرایی، توافق‌پذیری و برون‌گرایی جای داد در چگونگی وقوع توافق‌پذیری همدلانه موثر بود در این میان شیوه‌های مقابله این مردان با مشکلات زندگی همچون حل مسئله، مشورت کردن و گفت و شنود نیز قابل توجه بود که می‌توانست به آرامش زندگی کمک نماید در عین حال نحوه ارتباطات آن نیز نقش مهمی در چگونگی وقوع توافق‌جویی همدلانه ارتباطات آنان بود که نشان می‌داد توانایی خوبی برای مدیریت روابط با خانواده همسر خود دارند و می‌توانند اختلافات‌شان را با خانواده

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

References

- احمدی مهر، زهرا؛ یوسفی، زهرا؛ و گل پرور، محسن. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی روش بین نسلی بوئن بر روابط خانوادگی، مرزها، مثلثسازی و شیوه‌های کنترل زنان متأهل در شهر اصفهان، فصلنامه روان‌شناسی بالینی، ۱۲(۳)، ۲۵-۳۴.
- احمدی مهر، زهرا؛ یوسفی، زهرا؛ و گل پرور، محسن. (۱۳۹۹). کشف و توضیح روند دلزدگی زناشویی در بین زنان متأهل: یک نمونه نظریه زمینهای. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۳)، ۲۹۰-۲۶۹.
- دهقانی ششده، زهرا؛ و یوسفی، زهرا. (۱۳۹۸). مدل‌سازی معادلات ساختاری میل به طلاق بر اساس متغیرهای سیستمی (مثلث‌سازی، رابطه با همسر) و متغیرهای روان‌شناختی (توافق‌پذیری و شیوه‌های کنترل) و متغیر اجتماعی (نحوه گذراندن اوقات فراغت) مادران شهر اصفهان. خانواده پژوهی، ۱۵(۱)، ۱۵۵-۱۷۰.
- زارعی توپخانه، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). رابطه بین ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده با عملکرد خانواده. خانواده پژوهی، ۱۱(۲)، ۲۰۳-۲۱۸.
- شکری، امید؛ خدائی، علی؛ و معزالدینی، شیرین. (۱۴۰۰). تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته زنان درباره خشونت خانگی در دوران قرنطینه کوید ۱۹. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۵(۳)، ۴۰۲-۳۸۱.
- مالمیر، مهدی؛ و ابراهیمی، مرضیه. (۱۳۹۹). نوع‌شناسی ساختار قدرت در خانواده ایرانی. مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷)، ۷-۳۲.
- محمودزاده، اعظم؛ یوسفی، زهرا؛ و گل پرور، محسن. (۱۳۹۸). تدوین الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۳(۴۶)، ۷-۳۹.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه؛ و مردانی، مرضیه. (۱۳۹۱). مطالعه‌ی عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده (نمونه موردی زنان متأهل شهر شیراز). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۳)، ۱۵۹-۱۷۸.
- هاشمیان، معصومه؛ صلحی، مهناز؛ گرمارودی، غلامرضا؛ مهری، علی؛ جوینی، حمید؛ و شهرآبادی، رضا. (۱۳۹۷). تجارب مردان متأهل از خشونت خانگی علیه همسران خود: یک

برای این مهارت ارزش قائلند و از صفات و ویژگی‌هایی برخوردارند که بافت بروز و ظهور این مهارت را برای مرد فراهم می‌کنند در غیر اینصورت توافق‌جویی همدلانه بسیار دشوار و بعضاً ممکن است حتی ناامید کننده باشد. به هر حال برای پرورش این مهارت در بین مردان باید آنان از چیستی آنان آگاه شوند، منابع آن را (چرایی) در خود ایجاد نمایند و به مسیرهای بروز و ظهور آن آشنا باشند و در نهایت از این موضوع مهم آگاه باشند که بافت بروز این مهارت از قبل از ازدواج پایه‌ریزی می‌شود.

به هر حال این پژوهش نیز همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌های دارد از جمله اینکه نتایج حاصل توسط همسران آنان تایید شد اما فرصت مصاحبه آنان فراهم نشد. در عین حال سیر تحولی این مهارت در بین این مردان نیز بررسی نشد که هر دو محدودیت می‌تواند فرصتی برای سایر پژوهش‌ها باشد.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری مشاوری با کد اخلاق IR.IAU.KHUISF.REC.1400.041 می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نمایند.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

- Social Variables among High School Students' Mothers in Isfahan. *Journal of Family Research*, 15(1), 155-170.
- Gaunt, R. (2006). Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier?. *Journal of personality*; 2006; 74(5): 1401-1420.
- Ghosal, J. (2018). Gender Equality, Women Empowerment and Role of Men in India. *Women Empowerment and Role of Men in India*; 9 (3): 689-692.
- Haris, F., & Kumar, A. (2018). Marital satisfaction and communication skills among married couples. *Indian journal of social research*, 59(1), 35-44.
- Hashemian, M., Solhi, M., Gharmaroudi, G., Mehri, A., Joveini, H., & Shahrabadi, R. (2018). Married Men's Experiences of Domestic Violence on their Wives: A Qualitative Study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 2020; 7(2): 214-226.
- Janjani, P., Momeni, K., Rai, A., & Saidi, M. R. (2017). Mediating role of irrational beliefs in the relationship between the quality of family communication and marital satisfaction. *Middle East J Fam Med*, 99(5489), 1-6.
- Mahmoodzadeh, A., Yousefi, Z., & Golparvar, M. (2019). Developing Family Sustainability Pattern Based on Islamic teachings in Ayatollah Khamenei's Thought. *The Women and Families Cultural-Educational*, 13(46): 7-39.
- Malmir, M., & Ebrahimi, M. (2020). Typology of Power Structure in The Iranian Family. *Women's Strategic Studies*, 22(87), 7-32.
- Martins, A. O., Coimbra, M. N., Sá, S. O., & Oliveira, J. A. (2019). The (in) visibility on gender perceptions of young students about the role of men and women in the family. In *World Conference on Qualitative Research*; 1: 314-317.
- Movahed, M., Enayat, H., & Mardani, M. (2012). Study of Related Context Factors with Structure of Power in Family. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(3): 159-178. doi: 10.22059/jisr.2013.36566
- Nadiri, M., & Khalatbari, J. (2018). Study of marital satisfaction in students based on psychological components of attachment style, perfectionism and conflict resolution. *BRAIN. Broad Research in Artificial Intelligence and Neuroscience*, 9(3), 120-127.
- Naemi, A. M. (2018). Relationship between basic psychological needs satisfaction with resilience مطالعه کیفی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۷(۲)، ۱۹۷-۱۸۵.
- Ahmadimehr, Z., Yousefi, Z., & Gol Parvar, M. (2020). Exploration and Explanation the Marital Disillusionment among Married Women: Grounded Theory. *Journal of Applied Psychology*, 14(3), 290-269.
- Ahmadimehr, Z., Yousefi, Z., & Golparvar, M. (2020). The Effectiveness of Boen's Intergenerational Method Training on Family Relations and Systematic Family Variables. *Journal of Clinical Psychology*, 12(3): 25-34.
- Alipour, Z., Kazemi, A., Kheirabadi, G., & Eslami, A. A. (2020). Marital communication skills training to promote marital satisfaction and psychological health during pregnancy: a couple focused approach. *Reproductive health*, 17(1), 1-8.
- Azadifard, S., & Amani, R. (2020). The relation between relational beliefs and conflict resolution styles with marital satisfaction. *Clinical Psychology and Personality*, 14(2), 39-47.
- Baskin, T. W., Rhody, M., Schoolmeesters, S., & Ellingson, C. (2011). Supporting special-needs adoptive couples: Assessing an intervention to enhance forgiveness, increase marital satisfaction, and prevent depression. *The Counseling Psychologist*; 2011; 39(7): 933-955.
- Brudek, P. J., Steuden, S., & Jasik, I. (2018). Personality traits as predictors of marital satisfaction among older couples. *Psychoterapia*, 185(2), 5-20.
- Brudek, P., & Kaleta, K. (2021). Marital offence-specific forgiveness as mediator in the relationships between personality traits and marital satisfaction among older couples: Perspectives on Lars Tornstam's theory of gerotranscendence. *Ageing & Society*, 1-19.
- Carnes, A. M. (2017). Bringing work stress home: The impact of role conflict and role overload on spousal marital satisfaction. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*; 90(2): 153-176.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory*. sage.
- Choi, H. J., & Kim, D. S. (2009). The relationship between family rituals and marital satisfaction for wives. *Journal of Korean Home Management Association*; 27(6): 111-124.
- Dehghani Sheshshdeh, Z., & Yousefi, Z. (2019). The Structural Equation Modeling of Desire to Divorce based on System, Psychological and

and marital satisfaction in teachers. *International Journal of Educational and Psychological Researches*; 2018; 4(2): 78-83.

Rowan, D. G., Compton, W. C., & Rust, J. O. (1995). Self-actualization and empathy as predictors of marital satisfaction. *Psychological Reports*; 1995; 77(3): 1011-1016.

Sayehmiri, K., Kareem, K. I., Abdi, K., Dalvand, S., & Gheshlagh, R. G. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction: a systematic review and meta-analysis. *BMC psychology*, 8(1), 1-8.

Shokri, O., Khodaei, A., & Moezzodini, S. (2021). A Phenomenological Study of Women's Lived Experiences of domestic violence during the COVID-19 Pandemic. *Journal of Applied Psychology*, 15(3), 402-381. doi: 10.52547/apsy.2021.222353.1066

Tavakol, Z., Nikbakht Nasrabadi, A., Behboodi Moghadam, Z., Salehiniya, H., & Rezaei, E. (2017). A review of the factors associated with marital satisfaction. *Galen Medical Journal*, 2017; 6(3): 197-207.

Xu, H. (2017). Factors Affecting Marital Satisfaction among Chinese Newlyweds. *Journal of Psychology and Psychotherapy*, 7(6).

Zarei Toopkhaneh, M., Janbozorgi, M., & Ahmadi, M. R. (2015). The Relationship Between Power Structure of Man-Powered in the Family and Family Function. *Journal of Family Research*, 11(2), 203-218.

